

صلب و ترائب

محسن بهرامی^۱

چکیده

اصطلاح صلب و ترائب و مفاهیم وابسته به آنها، در متون دینی و پزشکی بارها با معانی گوناگونی به کار گرفته شده‌اند. حکمای دوران اسلامی با استناد به آیات قرآن و منابع گذشته به نقش صلب و ترائب در فرآیند باروری اشاره کرده‌اند. آنها در تعریف و تشریح محدوده صلب و ترائب، نظرات گوناگونی داشته‌اند و منافع زیادی را برای آنها بیان کرده‌اند.

این مطالعه با بررسی کتاب‌های تفسیر قرآن و احادیث و منابع پزشکی ایران به تعریف و تشریح و ذکر منافع صلب و ترائب پرداخته و تا حد امکان به تطبیق آن با منابع آناتومی و فیزیولوژی و موارد کاربردی آن اشاره کرده است.

در مجموع به نظر می‌رسد اصطلاح صلب و ترائب مربوط به جنس خاصی از زن یا مرد نیست، بلکه در هر دو مشترک است و با مشارکت همدیگر به مثابه مسیری جهت تشکیل و تکمیل فرآیند باروری و تولیدمثل کاربرد دارد و شواهد موجود در منابع طبی کهن و امروزی، گواه این مطالب است. علاوه بر آن، منافع صلب در متون گذشته با علوم رایج اختلافاتی دارد؛ به طوری که صلب علاوه بر نقش کامل FUNCTIONAL SPINAL UNIT در گفتار مفسران و حکماء در بسیاری از موارد به منزله عامل انتقال نسل و وراثت و نقش مستقیم در قدرت باروری دارد که امروزه این عملکرد از طریق سلول‌های بنیادی در مغز استخوان، سیستم ایمنی و اتونوم تا حدودی قابل توجیه است. در زمان‌های گذشته با اینکه امکانات میکروسکوپی وجود نداشت، تشریح جزئیات بدن انسان تا حدود زیادی به درستی ثبت شده است. هم‌چنین تجربه‌های پی‌درپی

۱- گروه طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران.

نشانی الکترونیکی: mbahrami@razi.tums.ac.ir

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۵/۲

پزشکان در زمینه انتقال نسل و وراثت نشان می‌دهد که آنان تا حدودی به نقش نظام‌های بدن در فرآیند باروری آشنایی داشته‌اند. بنابراین با توجه به گسترش روزافزون مشکلات ناباروری و توسعه روش‌های درمانی مکمل در دنیا و اقبال جامعه دانشگاهی به این روش‌ها شایسته است یک رشته مفاهیم اولیه در متون گذشته احیاء و درستی و یا نادرستی فرضیه‌های آنها دوباره بررسی و اثبات شود تا در آینده شاهد گسترش درمان‌های طبیعی با خطرات کمتری در این زمینه باشیم.

واژگان کلیدی: صلب و ترائب، باروری.

مقدمه

توجه حکماء، در طول تاریخ به کلام وحی و پایه‌ریزی علوم و بهره‌مندی از کلام معصومین در دوره‌های گوناگون همواره وجود داشته است (اصفهانی، ۱۳۸۱ ش.). یکی از مفاهیم پزشکی پایه‌ای که در منابع دینی و طبیبی بارها به آن اشاره شده، اصطلاح صلب و ترائب است (قرآن کریم، ابن‌سینا، ۲۰۰۵ م.). ما در این بررسی کتابخانه‌ای به تبیین موضوع صلب و ترائب و مفاهیم وابسته به آن می‌پردازیم و در ادامه تا حد امکان اصطلاح صلب و محدوده ستون فقرات و هم‌چنین ترائب و استخوان‌های قفسه سینه را با یکدیگر مقایسه کلی می‌کنیم و در ادامه برای روشن‌تر شدن موضوع، این اصطلاحات را از جنبه‌های گوناگون بررسی خواهیم کرد.

معانی لغوی صلب و ترائب

معانی لغوی صلب در دوران گذشته و در فرهنگ‌های گوناگون به صورت‌های گوناگون بیان شده که عبارتند از: ۱- سخت، محکم؛ ۲- درشت؛ ۳- قوی و استوار؛ ۴- استخوان‌های پشت، کمر؛ ۵- مجازاً نطفه؛ ۶- بردبار و صبور؛ ۷- نام کوهی و مرغی؛ ۸- بردار کشیدن.

معانی لغوی ترائب: ۱- استخوان‌های سینه و این جمع تریبیه است؛ ۲- مجازاً به معنی سینه؛ ۳- آنچه نزدیک دو ترقوه بود از آن، یا مابین دو پستان و دو ترقوه، یا چهار دنده است از جانب راست سینه و چهار دنده از جانب چپ آن، یا دو دست و دو پا و دو چشم (لسان‌العرب، ۱۳۹۲ ش.، فرهنگ دهخدا، ۱۳۹۲-۱۳۹۳ ش.).

صلب و ترائب در منابع دینی

اصطلاح صلب در قرآن کریم ۸ بار به صورت جمع و مفرد و یا در ترکیب‌های گوناگون در سوره‌های گوناگون به کار رفته است (قرآن کریم). این اصطلاح در کتاب‌های دعا و منابع دینی نیز بارها استفاده شده است (قرآن کریم، عقیلی خراسانی، ۱۳۸۶ش.). اکثر مفسران قرآن در تفسیر سوره النساء آیه ۲۳ و سوره الطارق آیه ۷ به مباحث باروری و تولیدمثل انسان از این طریق اشاره کرده‌اند. در برخی از تفسیرها و کتاب‌های دینی، صلب را معادل استخوان‌های ستون فقرات و یا استخوان‌های ظهر (پشت) در نظر گرفته‌اند (تفسیر نو قرائتی، ۱۳۹۲-۱۳۹۳ش.). اهوازی، ۱۳۸۸ش.). هم‌چنین در آیات اول سوره مریم گفتار حضرت زکریا (ع) برای توارث و باروری بعد از خود با اصطلاح استخوان (وهن العظم منی) ذکر شده است و یا در سوره اعراف آیه ۱۷۲ نیز اشاره به انتقال نسل با توجه به استخوان‌های پشت (ظهوره‌م) بیان شده است: «و اذ اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم؛ و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت» (۲). در زیارت اربعین و وارث نیز بعد از سلام و برشمردن اسامی تمام پیامبران عبارت «یا مولای یا ابا عبدالله اشهد آنک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره» به موضوع پاکی نسل پیامبران پشت در پشت هم تا حضرت سیدالشهداء (ع) و انتقال نسلی مطهر از صلب پدران نیز با همین مفهوم بیان شده است (۴).

امام سجاد (ع) در دعای ۳۲ صحیفه با بهره‌گیری از آیات قرآن مطالب عمیقی در این زمینه به صورت دعا بیان فرموده‌اند: «اللهم و انت حدرتنی ماء مهینا من صلب متضائق العظام، حرج المسالک الی رحم ضیقه سترتها بالحجب، تصرفنی حالا عن حالحتی انتهیت بی الی تمام

الصورة و اثبت في الجوارح كما نعت في كتابك: نطفه ثم علقه ثم مضغه ثم عظاما ثم كسوت العظام لحما ثم انشأتني خلقا آخر كما شئت؛ یعنی الهی تو مرا به صورت آبی کم‌ارزش از پستی که استخوان‌هایش درهم فشرده و راه‌هایش بس تنگ است، به تنگنای رحم که آن را به پرده‌ها پوشیده‌ای سرازیر کردی، در حالی که مرا از مرحله‌ای به مرحله دیگر گرداندی تا وقتی که به کمال صورت رساندی و اعضاء را در پیکر من برقرار نمودی، همان‌گونه که در کتابت وصف فرمودی: نطفه، سپس علقه، آنگاه مضغه، سپس استخوان‌بندی و بعد استخوان‌ها را به گوشت پوشاندی و آنگاه مرا بدان‌گونه که خواستی به مرحله‌ای دیگر از آفرینش درآوردی» (امام سجاد، ۱۳۸۴ ش.).

در مجموع، مفسران قرآن کریم به مفهوم صلب و ترائب و نقش آنها در مبحث تولید نسل و توارث در زیر مجموعه آیات مرتبته پرداخته‌اند (تفسیر نو قرائتی، ۱۳۹۲-۱۳۹۳ ش.، اهوازی، ۱۳۸۸ ش.).

صلب

- ۱- صلب تمام استخوان‌های پشت (کل ستون فقرات) و در برخی تفسیرها استخوان لگن را هم شامل می‌شود؛
- ۲- صلب به معانی استخوان‌های ظهر (پشت) و نقش آن در ذریه انسان؛
- ۳- تأثیر سستی استخوان بر عدم تولیدمثل؛
- ۴- صلب به مثابه یک مرحله از سیر تکوینی حیات انسان؛
- ۵- صلب به معنی نخاع (نایب مناب دماغ).

ترائب

- ۱- ترائب (قفسه سینه)؛
- ۲- تریبه و ترائب در اصل به معنای استخوان سینه نیست؛
- ۳- در میان استخوان‌های محکم عانه و خاصره و مهره‌های زیرین کمری؛
- ۴- چون استخوان‌های سینه مانند خاک به آسانی حرکت می‌کنند، از آن جهت ترائب گفته‌اند؛
- ۵- استخوان‌های عانه و خاصره از جهت نرم بودن و خاک مانند بودن تریبه گفته‌اند. بنابراین مراد از ترائب استخوان‌های عانه و خاصره است (تفسیر نو قرائتی، ۱۳۹۲-۱۳۹۳ش، اهوازی، ۱۳۸۸ش).

صلب و ترائب در منابع طبّی

اصطلاح صلب را نخستین بار حنین ابن اسحاق در ترجمه کتاب طبیعت الانسان بقراط گزارش کرده است (بقراط، ۱۳۸۶ش). استفاده از مفهوم صلب با استناد به متون گذشته و مفاهیم قرآنی در بین پزشکان رایج بوده است؛ به گونه‌ای که برخی از حکماء فقرات ظهر (ستون فقرات پشت سینه) را صلب اصلی و منشأ اولیه معرفی کرده‌اند (بیضاوی، ۱۳۸۷ش). صاحب کتاب الماء، صلب را با معانی گوناگون به کار برده است: شدید (سخت) و فقرات مرتبط به هم از استخوان قحف (جمجمه) تا انتهای استخوان دنبالچه و یا استخوان پشت. او هم‌چنین با استناد به احادیث، صلب را در معانی دیگر مانند مخرج منی و ودک عظام (چرب استخوان) و صدیدی (ترشحات چرب خونابه‌ای) که از میّت خارج می‌شود نیز در نظر گرفته است (الارزدی الاندلسی، ۱۳۸۶ش). صاحب بحرالجمهر در معرفی صلب از استخوان پشت و استخوان زیر کاهل تا استخوان عجز (ساکرال) و کل ستون

فقرات نام می‌برند (هروی محمدبن یوسف، ۱۳۸۶ش). عقیلی خراسانی در تشریح انثیان با استناد به آیه ۶، ۷ و ۸ سوره الطارق از اصطلاح صلب و ترائب کقوله تعالی فلینظر الإنسان ممّ خلق. خُلِقَ من ماءٍ دافِقٍ. یخْرُجُ من بینِ الصلبِ و الترائب، از این مفاهیم جهت توجیه اسباب تولید منی در زن و مرد استفاده می‌کند (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۶ش).

تشریح صلب و ترائب

محدوده آناتومیکی صلب بر اساس کتاب‌های مرجع پزشکی کاملاً مشخص است و تعداد آن ۳۰ عدد گزارش شده است (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۶ش، ابن سینا، ۲۰۰۵م). اهوازی در کتاب کامل‌الصناعه، محدوده استخوان‌های صلب را از پس سر تا انتهای استخوان دنبالچه در چهار قسم طبقه‌بندی می‌کند (اهوازی، ۱۳۸۸ش):

۱- استخوان گردن (رقبه یا عنق) با هفت استخوان؛ ۲- استخوان پشت یا ظهر با دوازده استخوان؛ ۳- استخوان کمر (حقو یا قطن) با پنج استخوان؛ ۴- استخوان دنبالچه (عجز یا عریض) با شش استخوان که ابن‌سینا و ابن‌نفیس شش استخوانی انتهایی را به دو گروه سه استخوانی عجز و عصص به‌طور جداگانه دسته‌بندی می‌کنند (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۶ش، ابن‌نفیس، ۱۳۸۹ش).

۲- در حال حاضر، تفاوتی بین قطعات ستون مهره‌ای، هفت مهره گردنی و دوازده مهره سینه‌ای و پنج مهره کمری، بین کتاب‌های آناتومی و منابع تشریحی گذشته وجود ندارد؛ بلکه تفاوت آنها در شمارش پنج قطعه خاجی (لومبراسیون) و چهار قطعه دنبالچه‌ای (ساکرالزاسیون) تا حدودی قابل ملاحظه است (نقدی دور باطی، ۱۳۷۵ش). (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: مقایسه ستون فقرات متون کهن با منابع رایج

عمود فقری یا ستون فقرات	تشریح قدیم	تشریح جدید
گردن	عنق یا رقبه ۷ مهره	Cervical ۷ مهره
سینه	ظهر یا پشت ۱۲ مهره	Thoracic ۱۲ مهره
کمری	حقو یا قطن ۵ مهره	Lumbar ۵ مهره
خاجی	عجز ۳ مهره	Sacral ۵ مهره
دنبالچه	عصص ۳ مهره	Coccyx ۴ مهره

صلب و ترائب

در تشریح ترائب که برخی از حکما تعبیر به استخوان‌های قفسه سینه (صدر) کرده‌اند. این استخوان‌ها شامل هفت استخوان قص (جناق یا استرنوم) و عظم خنجری به عنوان واسطه میان استخوان سینه و اعضای لینه (نرم) که به آن متصل است و ۲۴ اضلاع (دنده‌ها) که هفت بالا سر آن به سر استخوان‌های سینه پیوسته و ۱۰ عدد باقی مانده از اضلاع به استخوان‌های مهره‌های ظهر (پشت) متصل شده و به تدریج کوتاه‌تر می‌شوند (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۶ش، بیضاوی، ۱۳۸۷ش، ابن نفیس، ۱۳۸۹ش).

Chest Wall	استخوان صدر (قفسه سینه)
Sternums	عظام قص یا قس یا جناق یا سینه (هفت عدد)
اضلاع صدر (هفت زوج فوقانی)	اضلاع یا دنده‌ها یا وتده یا قبرغه یا ضلوع
اضلاع زور یا قصری (پنج زوج تحتانی)	Ribs

عظم خنجرى Costal Margin	استخوان‌های عریض غضروفی بدان متصل است
-------------------------	---------------------------------------

منافع صلب و ترائب

حکماء خصوصیات و کارایی‌های گوناگونی را در زیر مجموعه صلب و ترائب با عبارات گوناگون تعریف و تفسیر کرده‌اند. به‌طور مثال، علامه حسن‌زاده در کتاب طب و طبیب و تشریح در تفسیر آیات ۶ و ۷ و ۸ سوره الطارق (فلینظر الإنسان مم خلق. خُلِقَ من ماءٍ دافِقٍ. یخْرُجُ من بین الصلبِ و الترائب) بیان می‌کند که ترائب جمع تربیه است مانند کتائب و کتیبه. صلب دیوار استخوان‌های پشت بدن است و ترائب جدار استخوان‌های جلوی آن است. هر دو، چه از زن و چه از مرد و آنچه در میان این دو دیوار استخوان‌ها محصور است، امعاء و آورده و احشاء و نظایر آنها است و معنی آیت این است که انسان با دیده اعتبار در صنع پروردگار بنگرد که مبدأ تکون و مایه پیدایش او آب جهنده‌ای است که از میان این دو دیوار استخوان‌ها بیرون می‌آید؛ نه آن‌چنان که شهرت یافته است که ترائب را سینه و پستان و یا استخوان‌های سینه زن معرفی کرده‌اند و گفته‌اند که ماء دافق از صلب مرد و ترائب زن بیرون می‌آید (حسن زاده آملی، ۱۳۸۲ش.).

محسن بهرامی

منافع صلب	ابوسهل مسیحی (۲۳)	ابن‌سینا (۶)	ابن نفیس (۲۰)
قوام و استقلال بدن	الفقرات قاعده الهیکل المبنی العظام فصارت عظیمه الغنی و الفائدة فی وجود البدن و قوامه	لیکون لقوام الانسان استقلال و قوام و تمکن من الحركات الی الجهات	لیکون لقوام الانسان استقلال و قوام و تمکن من الحركات الی الجهات
اساس و مبنای بدن	و جعلها دعاما یدعم جملة البدن و یشیله	الصلب خلق لیكون مبنی لجملة العظام	الصلب خلق لیكون مبنی لجملة العظام

البدن	البدن	فیعوی بها	
البدن لیكون مسلکا للنخاع المحتاج الیه فی بقاء الحیوان	البدن لیكون مسلکا للنخاع المحتاج الیه فی بقاء الحیوان	فتكون الاعصاب فب مبدأ نشرها محفوظه و تكون الزوائد وقایه للاعصاب علی سبیل تضعیف المنفعه	مسلک نخاع
ان الصلب وقایه و جنه للاعضاء الشریفه الموضوعه قدامه	ان الصلب وقایه و جنه للاعضاء الشریفه الموضوعه قدامه	و جعلها ایضاً جنه قویه لالات التنفس والقلب و الالت اغذاء من فوق و حراسه و وقایه	حافظ اعضای شریفه
ان الاحشاء تتعلق بها فتبتقی اوضاعها مفوظه			حفظ اوضاع اعضاء
ان ترتبط به عظام البدن فیكون كالاساس لها		لان هیکل البدن المبنی من العظام مرکب علی عظام الفقار	ارتباط با استخوانهای دیگر
ان المنی ینزل فیهِ من الدماغ علی ما تعرفه فی موضعه	اسباب منی (أنه ینزل فی العرقین اللذین خلف الأذنین)		نزول منی
ان ما ینزل من فضول مؤخر الدماغ یسلک فیهِ و لا یحتیس فیفسد الدماغ		نخاع: غشاء ثالث عصبی قوی زاید علی ما للدماغ و جعل هذا الغشاء فی رطوبه لزجه فائضه حوالیه	انزال فضول دماغی
ان جمله الصلب کشی واحد مخصوص بافضل الاشکال و هو المستدیر، ابعد الاشکال عن قبول آفات	ان جمله الصلب کشی واحد مخصوص بافضل الاشکال و هو المستدیر، ابعد الاشکال عن قبول آفات	لو کان عظم الفقار کله قطعه واحده فیكون اقوی من مقاومه الافات	دوری آفات (انحناء و مستدیر و قطعه واحد)

صلب و ترائب

علاوه بر این، منافع دیگر صلب با عباراتی کلی در متون طبی گذشته بیان شده که در جدول ذیل منعکس می شود (جدول شماره ۲).

گزارش‌های مکتوب زیادی از مفاهیم صلب و ترائب در منابع گذشته وجود دارد. بنابراین حکماء ساز و کار مجموعه‌ای از بیماری‌ها را از طریق ناحیه صلب در

نظر گرفته‌اند. به‌طور نمونه، علت برخی از سردردها و بیماری‌های انثیان را در مسیر صلب در نظر می‌گرفتند. هم‌چنین در درمان برخی از بیماری‌ها از طریق ناحیه صلب و ترائب اقداماتی انجام می‌دادند (بقراط، ۱۳۸۶ش، ابن نفیس، ۱۳۸۹ش، چشتی، ۱۳۸۴ش). به‌طور مثال، عقیلی خراسانی در تشریح انثیان و اسباب تولید منی در زن و مرد با استناد به آیه ۶، ۷ و ۸ سوره الطارق با مفاهیم صلب و ترائب ناظر به آیه قرآن مجید: «كقوله تعالى فليَنظر الإنسان مِمَّ خُلِقَ. خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ. يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصَّلْبِ وَ التَّرَائِبِ»، نظر خود را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۶ش):

بدان که حکما متفقند بر آنکه تکون جنین هم از منی مرد و هم از منی زن هر دو با هم است و احادیث بسیار ناطق بر اثبات منی برای زن وجود دارد؛ چنان‌چه مردان را محقق است. علاوه بر آن، ایشان نظریه بقراط را در قالب فرضیه پذیرفته‌شده در نظر پزشکان پیشین به‌گونه‌ای جالب بیان می‌کند:

نظریه اول: «ماده آن، به قول بقراط از دماغ نزول می‌نماید به‌واسطه دو رگی که خلف اذنین است و به نخاع می‌رسند و از نخاع به کلیتین و از کلیتین به انثیین می‌آیند و از هر عضو رئیس و غیر رئیس شعبه‌ای به این دو رگ پیوسته است که ماده منی که جزء فاضل از هر عضو است از آن شعبه به‌جانب آن دو رگ می‌آید و با خمیره منضم می‌گردد؛ بدین وجه که اولاً در رگ‌های کیس می‌آید و در آن نضج و استحاله و صورت بیاضی حاصل می‌نماید، پس در بیضه می‌آید و نضج و استحاله تام یافته و سفید غلیظ به لون محل می‌گرداند مانند شیر در پستان؛ زیرا که منی و شیر تا در اعضا به رنگ خونند و چون در رگ‌های کیس و عروق پستان آمدند، سرخی آنها اندک کم می‌گردد و چون به انثیین و پستان داخل شدند، سفید می‌گردند؛ و دلیل برآمدن از جمیع اعضاء به‌واسطه شعبه‌هایی

که متصل بدان و ملحق بدان شده‌اند آن است که: از استفراغ آن، فتور و ضعف در جمیع اعضاء خصوص اعضاء رئیسه ظاهر می‌گردد؛ و ضعف و قصوری که در بعضی اعضاء پدر باشد، در اعضاء فرزندان نیز در اغلب است.»

نظریه دوم: «بعضی بر آن هستند که ماده منی، از تمام اعضاء به‌جانب کبد می‌آید بدون تعیین بودن اصل و خمیره آن در عضوی خاص، پس از جگر به توسط شعبه‌های اجوف نازل، به کلیتین می‌رود و در آنجا از مائیت صافی گشته و اندک قوامی یافته و در مجرای که میان گرده و خصیتین است و تعاریج و پیچ‌های بسیار دارد فرود آمده و در آنجا نضجی و استحاله ناقص یافته و بعد از آن در خصیتین می‌آید و نضج و استحاله تام می‌یابد» (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۶ش).

نتیجه‌گیری

پرداختن به مباحث پایه به ویژه تشریح، جهت فهم متون پزشکی، یکی از ضرورت‌هایی است که امروزه بایستی مورد توجه قرار گیرد. اگرچه که تشریح اعضاء بدن انسان در منابع مکتوب همانند علوم رایج خیلی موشکافانه (با دید میکروسکوپی) مورد بررسی قرار نگرفته است؛ ولی تجربیات مکرر و بالای آن‌ها در طول تاریخ نشان می‌دهد، که اطباء به نقش سیستم‌های بدن در فرآیند باروری به صورت کلی آشنایی داشته‌اند.

به نظر می‌رسد در دیدگاه اطبای گذشته، اسباب تولید منی و تکمیل فرآیند باروری در قالب مسیر عروق غلاظ و یکسری از عروق بی نام به ویژه از طریق صلب و ترائب با مشارکت اعضاء کل بدن صورت گرفته، که این فرآیند در برخی از متون گذشته گزارش شده است (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۶ش، ابن سینا، ۲۰۰۵م، بقراط، ۱۳۸۶ش، ابن نفیس، ۱۳۸۹ش)؛ و همچنین از این مسیرها، به درمان یکسری

از بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های انثیان اشاره کرده‌اند (ابن نفیس، ۱۳۸۹ش). که این موارد با مسیرهای تولید منی در منابع کهن طب چینی مشابهت دارند؛ به طور مثال در کتاب تنگسوق نامه ایلخانی: در عامو میگویند که موضعیت که آن را بحنک می‌گویند از آنجا دو عرق صعود می‌کند یکی سوی کلیتین (کلیه‌ها) می‌رود و بر فقرات ظهر (استخوان‌های پشت) تکیه کرده تا به دماغ صاعد می‌شود و یکی دیگر به طرف ناف میل می‌کند و به عظام قس (استخوان جناق) می‌پیوندد (همدانی، ۱۳۸۶ش). که به نظر می‌رسد برخی اطباء، با استناد به آیات شریفه «فلینظر الانسان مم خلق خلق من ماء دافق یخرج من بین الصلب و الترائب» برداشت‌های گوناگونی داشته و وجود دو رگ پشت گوش یعنی مسیر اول و دوم عروق غلاظ یا موازی با مسیر صلب و و جلوی بدن موازی با مسیر ترائب در نظر گرفته شده که در طب چینی با اسامی کانال جلویی mai Ren (رگ باروری) و کانال پشتی Du mai (رگ کنترل کننده) در نظر گرفته و تفسیر می‌شود (همدانی، ۱۳۸۶ش).

از نظر بقراط، ابن سینا و ابن نفیس، صلب مسیری جهت نزول منی نیز در نظر گرفته می‌شود (ان المنی ینزل فیه من الدماغ علی ما تعرفه فی موضعه) که امروزه این مسیر تا حدودی با نقش سیستم اتونوم در مکانیسم انزال منی (تحریک سمپاتیکی) و مکانیسم نعوظ (تحریک پاراسمپاتیکی) مشابهت دارد؛ هر چند دفع یکسری از مواد از طریق مایع مغزی نخاعی و یا ارتباط هیپوتالاموس- هیپوفیز- آدرنال- گنادها و فعالیت همزمان آن‌ها باهم نیز در این پروسه محتمل می‌باشد. بر طبق همین مکانیسم اکثر حکماء، خمیره و اصل منی از را دماغ (تحریک اتونوم و یا تأثیر هیپوتالاموس- هیپوفیز- آدرنال- گنادها) در نظر گرفته و حصول نهایی منی را

از طریق صلب (از دو رگ پس هر دو گوش با نخاع نازل و واصل شده تا به رگ‌های انثیین) می‌دانند.

در مجموع به نظر می‌رسد، ناحیه صلب و ترائب به عنوان یک عضو اساسی و مرکب (چند سیستمی) و در بیان کایروپراکتیک و استئوپات‌ها FUNCTIONAL SPINAL OR BONE UNIT فعال، با منافع بسیار بوده که امروزه برخی از جنبه‌های آن مورد تحقیق و یا به اثبات رسیده است. وجود استخوان‌های ستون فقرات و قفسه سینه به عنوان مرکز مهم تولید سلول‌های بنیادی در بدن (در دوران بعد بلوغ و جوانی) و حضور وسیع و تنگاتنگ سیستم لنفاوی (فاکتورهای ایمنی) در این ناحیه به ویژه عقده‌های و عروق لنفاوی اطراف شبکه وریدی داخل و خارج مهره‌های (venous plexus) و همچنین وجود مجرای توراسیک در جلوی ستون فقرات و اطراف عروق بزرگ (آئورت و اجوف) و ارتباط گسترده ستون فقرات از طریق اعصاب و غشاها با اعضای مهم (کبد، ریه، قلب، کلیه، طحال، معده، بیضه‌ها، تخمدان‌ها و رحم) از طریق سیستم عصبی - هورمونی (اتونوم) و تأثیر و تأثر آنها از یکدیگر، منطقه خاصی را در کل ستون فقرات ایجاد کرده است (گایتون، ۱۹۹۶م). به همین دلیل نگاه مفسران قرآن کریم به مفهوم صلب و ترائب، و نقش آن‌ها در پدیده تولید مثل و ارتباط آن با مراکز زایای استخوانی به ویژه استخوان‌های ستون فقرات و قفسه سینه (مرکز سلول‌های بنیادی بعد از بلوغ) بوده؛ و بیشترین سلول‌های بنیادی (STEM CELL) با فعالیت خونسازی و ایمنی از این طریق به جریان خون راه پیدا کرده، بنابراین انتقال ژنوم‌ها و کروموزوم‌ها نیز به نسل بعد از این طریق اتفاق می‌افتد (گایتون، ۱۹۹۶م، ابوالحسن زاده، ۱۳۷۷ش، ابوالعباس، ۱۳۸۳ش، جعفری، ۱۳۸۲ش).

در طب‌های کل‌نگر دید پزشک صرفاً به عضو خاصی متمرکز نمی‌گردد بلکه در مجموع عملکرد کلی آن سیستم در نظر گرفته می‌شود، بنابراین امروزه با توجه به توسعه روز افزون روش‌های مکمل درمانی از یک طرف و داشتن گنجینه غنی از منابع طبی شایسته است با اتخاذ تصمیمی درست و بجا با مرور مجدد مبانی طبی کهن و تدوین مطالعات پایه و بالینی براین اساس، شاهد پیشرفت‌های دانش پزشکی در آینده نزدیک باشیم.

فهرست منابع

- اصفهانی، محمدمهدی. (۱۳۸۱ش.). همدم بیمار، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران.
- امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه. (۱۳۸۴ش.). دعای ۳۲، انتشارات پیام آزادی، تهران.
- شیخ عباس قمی، زیارت حضرت رسول (ص) و اربعین و وارث. (۱۳۸۷ش.). انتشارات سوره، تهران.
- عقیلی خراسانی، محمدحسین، خلاصه الحکمه. (۱۳۸۶ش.). تصحیح اسماعیل ناظم، جلد اول.
- ابن سینا، حسین بن علی، قانون فی الطب. (۲۰۰۵م.). مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان.
- لسان العرب، مؤسسه النور. (۱۳۹۲ش.). فایل تصویری، قم، ۱۳۹۲.
- فرهنگ دهخدا. (۱۳۹۳-۱۳۹۲ش.). وبسایت واژه‌یاب، صلب و ترائب.
- اصفهانی، راغب، الغرایب فی القرآن. (۲۰۰۵م.). انتشارات دارالکتب العلمیه، لبنان، بیروت.
- تفسیر المیزان، وبسایت. (۱۳۹۳-۱۳۹۲ش.). فایل تصویری، صلب و ترائب.
- تفسیر نمونه، وبسایت. (۱۳۹۳-۱۳۹۲ش.). فایل تصویری، صلب و ترائب.
- تفسیر انصاریان، وبسایت. (۱۳۹۳-۱۳۹۲ش.). فایل تصویری، صلب و ترائب.
- اعجاز علمی قرآن، وبسایت. (۱۳۹۳-۱۳۹۲ش.). فایل تصویری، صلب و ترائب.
- تفسیر نور قرائتی، وبسایت. (۱۳۹۳-۱۳۹۲ش.). فایل تصویری، صلب و ترائب.
- بقراط، فی طبیعت الانسان. (۱۳۸۶ش.). تکثیر توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران.
- بیضاوی، ابوالمجد. (۱۳۸۷ش.). مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - مک گیل، تهران.
- الارزدی الاندلسی، محمد: الماء، تکثیر توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی. (۱۳۸۶). طب اسلامی و مکمل، تهران.
- هروی محمدبن یوسف، بحرالخواهر. (۱۳۸۶ش.). تکثیر توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، قم.
- اهوازی، علی ابن عباس، کامل الصناعه. (۱۳۸۸ش.). انتشارات دارکابی، مصر، قاهره.
- ابن نفیس، شرح تشریح قانون فی الطب (۱۳۸۹ش.). تکثیر توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران.
- نقدی دور باطی، صوفیا: استخوان شناسی (۱۳۷۵ش.). انتشارات نخل، تهران.
- حسن زاده آملی حسن، طب و طبیعت و تشریح (۱۳۸۲ش.). انتشارات الف میم، قم.

- مسیحی ابوسهل، تشریح بدن الانسان. (۱۳۸۶ش). تکثیر توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران.
- چشتی، محمد اعظم خان، اکسیر اعظم. (۱۳۸۴ش). تکثیر توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران.
- همدانی خواجه رشیدالدین فضل الله، تنگسوق نامه ایلخانی. (۱۳۸۶ش). تکثیر توسط مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران.
- گایتون، آرتور، فیزیولوژی پزشکی. (۱۹۹۶م). ترجمه احمد رضا نیاورانی، انتشارات تیمور زاده، تهران.
- ابوالحسن زاده، اکرم، بافت شناسی جامع انسانی. (۱۳۷۷ش). مؤسسه نشر جهاد دانشگاهی، تهران.
- ابوالعباس، ایمنولوژی سلولی و مولکولی. (۱۳۸۳ش). ترجمه بابک عزیز افشاریان، انتشارات تیمور زاده، تهران.
- جعفری سید حبیب الله، تشخیص و درمان ناباروری مردان. (۱۳۸۲ش). مؤسسه انتشاراتی حیان، تهران.
- دنل ریورد، اصول کایروپراکتیک. (۲۰۰۳م). انتشارات موزبی، انگلستان، بیرمنگام.
- قرآن کریم. (۱۳۸۹ش). سوره اعراف (۱۷۲) و الطارق (۷) و مریم (۱۲-۳)، انتشارات حر، قم.

یادداشت شناسه مؤلف

محسن بهرامی: گروه طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران.

نشانی الکترونیکی: mbahrami@razi.tums.ac.ir

Loin (Solb) and Taraeb

Mohsen Bahrami

Abstract

Loin (Solb) and Taraeb are two phrases that we face with them in many different meanings in religious and medicinal texts. Religious caliphs had a special view from holly Quran point of view between loin and fertility.

This study is based on holly Quran explanation, anecdotes and Iranian Traditional medicine texts to explain loin and its benefits. In this study is tried to adaptation these data with classic medicine.

So it seems that this phrase is not related to a special sex. Therefore it is a common way in fertility process in both of sexes. Loin in the past make heirship with directly effect on fertility but today it means that the role of stem cells and immune system.

Therefore it is obvious that in the past there was a clear view with correct theory about heredity. So it is necessary to review and organize them to find many positive aspects of them to make our therapies with lower risk today.

Keywords

Loin, Taraeb, fertility